



Scientific Journal of

Sustainable Development of Geographical Environment



Vol. ??, No. ??, ????

Original Article

Cognitive Dissonance in Geopolitics: The Confrontation Between Popular Geopolitical Discourse and the Traditional Geopolitical Tradition

Hashem Amiri¹, Afsaneh Khosravi²

1- Department of Geography, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

2- Department of International Relations, Khorasgan Branch, Islamic Azad University, Khorasgan, Iran

Abstract

Introduction: In the contemporary world, the rapid transformation of communication technologies, social media, and global security crises have challenged the traditional structures of geopolitical knowledge production. The concept of “Geopolitical Vertigo” serves as an analytical metaphor, referring to a profound identity crisis and deep confusion that emerges when elite-centered and formal frameworks for interpreting the global order become ineffective. In these circumstances, the resulting vacuum is filled by popular[2] and grassroots discourses, which are often intertwined with populist narratives, particularly those from the left.

Materials and Methods: This study is a qualitative review employing qualitative content analysis. The main objective is to examine and explain the phenomenon of “Geopolitical Cognitive Dissonance” and the way popular geopolitics interacts with traditional geopolitics at both global and domestic levels. This method is highly suitable for exploring texts, narratives, and discourses in the social and political sciences, especially political geography, as it enables the extraction of hidden themes, patterns, and semantic relationships. NVivo ۱۴ software was used to organize codes and create conceptual maps. Given the review nature of the study, an inductive-deductive approach was adopted in content analysis. In the deductive section, key concepts such as “Geopolitical Vertigo” were extracted from the seminal article (Wojciech Kacperski[۳], ۲۰۲۶) and used as the initial framework. In the inductive section, emerging themes were derived directly from the data. This combination allows progress based on existing literature while also discovering indigenous and Iranian patterns. The statistical population includes all scientific, media, and discursive sources related to the topic from 2014 to 2026.

Results and Discussion: The present study, aimed at examining the phenomenon of “Geopolitical Vertigo” and the confrontation between popular geopolitics and traditional geopolitics, was conducted through a review approach and qualitative content analysis of 110 domestic and foreign sources. The findings clearly demonstrate that in the post-2014 world, especially after the Ukraine crisis, traditional elite-centered frameworks for interpreting the global order have suffered a crisis of legitimacy. This crisis, metaphorically termed “Geopolitical Vertigo,” has created a vacuum that is being filled by popular, emotional, simplified, and often populist narratives. The analysis of ۸۵۰ initial codes led to the identification of ۹ main themes, the most important of which include “Security Identity Crisis,” “Central Role of Social Media and Digitalization,” “Characteristics of Popular Geopolitics,” and “Confrontation and Interaction with Traditional Geopolitics.” These themes, with high frequency percentages (15.1%, 13.2%, and 12.8% respectively), indicate the decisive role of these dimensions in the transformation of contemporary geopolitical discourse. One of the most significant achievements of this research is the confirmation that geopolitics is no longer the exclusive domain of academic elites, diplomats, and government decision-makers.

Conclusion: The emergence of social media and intelligent algorithms has accelerated the process of “apparent democratization.” However, this democratization has come at costs such as the spread of misinformation, severe polarization, the strengthening of populism, and the weakening of foreign policy coherence. In Europe, especially Eastern Europe, this phenomenon became prominently visible after Russia’s invasion, putting liberal elites on the defensive. Similar patterns are observable in Iran, albeit with indigenous characteristics: the combination of revolutionary sovereignty identity, economic-sanction pressures, and resistance narratives

.Keywords: Geopolitical Vertigo, Popular Geopolitics, Traditional Geopolitics, Populism, Social Media

itation: Amiri, H & Khosravi, A., (2026). Cognitive Dissonance in Geopolitics: The Confrontation Between Popular Geopolitical Discourse and the Traditional Geopolitical Tradition. *Sustainable Development of Geographical Environment*: Vol??, No. ??, (??-??).

Received: 1405/03/23

Revised: 1405/06/16

Accepted: 1405/06/19

*: Corresponding Author’s Email: Hamiri۴۱۶۱@gmail.com ORCID: ۰۰۰۹-۰۰۰۸-۶۳۷۶-۲۵۲۷



Copyright: © 2025 by the authors. Submitted for possible open access publication under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution (CC BY). license (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).

ناهماهنگی شناختی در ژئوپولیتیک: تقابل گفتمان ژئوپولیتیک عامه‌پسند با سنت ژئوپولیتیک

هاشم امیری^۱، افسانه خسروی^۲

۱- گروه جغرافیا، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

۲- گروه روابط بین‌الملل، واحد خوراسگان، دانشگاه آزاد اسلامی، خوراسگان، ایران

چکیده

مقدمه: در دنیای معاصر، تحولات سریع فناوری‌های ارتباطی، رسانه‌های اجتماعی و بحران‌های امنیتی جهانی، ساختارهای سنتی تولید دانش ژئوپولیتیک را به چالش کشیده است. مفهوم «سرگیجه ژئوپولیتیک» به عنوان یک استعاره تحلیلی، به بحران هویتی و سردرگمی عمیقی اشاره دارد که وقتی چارچوب‌های نخبه‌محور و رسمی تفسیر نظم جهانی ناکارآمد می‌شوند، رخ می‌نماید. در این شرایط، فضای خالی توسط گفتمان‌های عامه‌پسند و مردمی پر می‌شود که اغلب با روایت‌های پوپولیستی، به‌ویژه چپ، درهم آمیخته‌اند.

مواد و روش‌ها: این پژوهش از نوع مطالعات مروری کیفی با رویکرد تحلیل محتوای کیفی است. هدف اصلی، بررسی و تبیین پدیده «ناهماهنگی شناختی ژئوپولیتیک» و نحوه برخورد ژئوپولیتیک عامه‌پسند با ژئوپولیتیک سنتی در سطوح جهانی و داخلی است. این روش برای واکاوی متون، روایت‌ها و گفتمان‌ها در حوزه علوم اجتماعی و سیاسی، به‌ویژه جغرافیای سیاسی، بسیار مناسب است زیرا امکان استخراج مضامین نهان، الگوها و روابط معنایی را فراهم می‌کند. نرم‌افزار NVivo 14 برای سازماندهی کدها و ایجاد نقشه‌های مفهومی به کار گرفته شد. با توجه به ماهیت مروری بودن مطالعه، از رویکرد ترکیبی متوالی (قیاسی - استقرایی) در تحلیل محتوا استفاده شده است. در مرحله قیاسی، مفاهیم کلیدی مانند «سرگیجه ژئوپولیتیک» از مقاله کلیدی (ووچی و پاووشکو، ۲۰۲۶) استخراج و به عنوان چارچوب اولیه به کار گرفته شد. در مرحله استقرایی، مضامین نوظهور از دل داده‌ها بیرون کشیده شدند. این رویکرد متوالی اجازه می‌دهد هم بر پایه ادبیات موجود پیش برویم و هم الگوهای بومی و ایرانی را کشف کنیم. جامعه آماری شامل تمام منابع علمی، رسانه‌ای و گفتمانی مرتبط با موضوع در بازه زمانی ۲۰۱۴ تا ۲۰۲۶ است. انتخاب این بازه زمانی به دلیل آغاز بحران اوکراین در سال ۲۰۱۴ (نقطه عطف در تحولات ژئوپولیتیک اروپای شرقی و ظهور پدیده سرگیجه ژئوپولیتیک) و پوشش مطالعات تا سال ۲۰۲۶ (شامل مقاله محوری ووچی و پاووشکو) صورت گرفته است تا تحولات پس از این نقطه عطف به طور جامع بررسی شود.

نتایج و بحث: پژوهش حاضر با هدف بررسی پدیده «سرگیجه ژئوپولیتیک» و برخورد میان ژئوپولیتیک عامه‌پسند با ژئوپولیتیک سنتی، از طریق رویکرد مروری و تحلیل محتوای کیفی بر روی ۱۱۰ منبع داخلی و خارجی انجام شد. یافته‌ها به وضوح نشان دادند که در دنیای پس از سال ۲۰۱۴، به‌ویژه پس از بحران اوکراین، چارچوب‌های سنتی نخبه‌محور تفسیر نظم جهانی دچار بحران مشروعیت شده‌اند. این بحران که با عنوان استعاره «سرگیجه ژئوپولیتیک» از آن یاد می‌شود، فضایی خالی ایجاد کرده که توسط روایت‌های مردمی، احساسی، ساده‌سازی شده و اغلب پوپولیستی پر می‌شود. تحلیل ۸۵۰ کد اولیه منجر به شناسایی ۹ تم اصلی شد که مهم‌ترین آن‌ها شامل «بحران هویت امنیتی»، «نقش محوری رسانه‌های اجتماعی و دیجیتال‌سازی»، «ویژگی‌های ژئوپولیتیک مردمی» و «برخورد و تعامل با ژئوپولیتیک سنتی» بودند. این تم‌ها با درصد‌های فراوانی بالا (به ترتیب ۱۵/۱٪، ۱۳/۲٪ و ۱۲/۸٪) نشان‌دهنده تعیین کنندگی این ابعاد در تحول گفتمان ژئوپولیتیک معاصر هستند. یکی از مهم‌ترین دستاوردهای این پژوهش، تأیید این واقعیت است که ژئوپولیتیک دیگر انحصار نخبگان آکادمیک، دیپلمات‌ها و تصمیم‌گیران دولتی نیست.

نتیجه‌گیری: ظهور رسانه‌های اجتماعی و الگوریتم‌های هوشمند، فرآیند «دموکراتیزاسیون ظاهری» را تسریع کرده است. با این حال، این دموکراتیزاسیون با هزینه‌هایی مانند گسترش اطلاعات غلط، قطبی‌سازی شدید، تقویت پوپولیسم و تضعیف انسجام سیاست خارجی همراه بوده است. در اروپا مخصوصاً اروپای شرقی، این پدیده به شکل برجسته‌ای پس از حمله روسیه ظاهر شد و نخبگان لیبرال را در موقعیت دفاع قرار داد. در ایران نیز الگوهای مشابهی قابل مشاهده است، هرچند با ویژگی‌های بومی: ترکیب هویت حاکمیت انقلابی، فشارهای اقتصادی-تحریمی و روایت‌های مقاومت.

واژه‌های کلیدی: سرگیجه ژئوپولیتیک، ژئوپولیتیک عامه‌پسند، ژئوپولیتیک سنتی، پوپولیسم، رسانه‌های اجتماعی

استناد: امیری، ه. و خسروی، ا. ۱۴۰۵. ناهماهنگی شناختی در ژئوپولیتیک: تقابل گفتمان ژئوپولیتیک عامه‌پسند با سنت ژئوپولیتیک، توسعه پایدار محیط جغرافیایی: دوره ۴، شماره ۴، ۹۴-۹۷.

مقدمه

در دنیای معاصر، تحولات سریع فناوری‌های ارتباطی، رسانه‌های اجتماعی و بحران‌های امنیتی جهانی، ساختارهای سنتی تولید دانش ژئوپولیتیک را به چالش کشیده است. مفهوم «سرگیجه ژئوپولیتیک»^۱ به عنوان یک استعاره تحلیلی، به بحران هویتی و سردرگمی عمیقی اشاره دارد که وقتی چارچوب‌های نخبه‌محور و رسمی تفسیر نظم جهانی ناکارآمد می‌شوند، رخ می‌نماید. در این شرایط، فضای خالی توسط گفتمان‌های عامه‌پسند و مردمی پر می‌شود که اغلب با روایت‌های پوپولیستی، به‌ویژه چپ، درهم‌آمیخته‌اند. این مقاله مروری با رویکرد تحلیل محتوا، به بررسی برخورد ژئوپولیتیک عامه‌پسند با ژئوپولیتیک سنتی می‌پردازد و ابعاد نظری، تجربی و کاربردی آن را در سطوح جهانی و داخلی واکاوی می‌کند. ژئوپولیتیک سنتی ریشه در تفکرات کلاسیک دارد که جغرافیا را به مثابه یک عامل عینی و تعیین‌کننده در سیاست خارجی و قدرت ملی می‌دید. متفکرانی مانند هالفورد مک‌کیندر، آلفرد ماهان و فریدریش راتزل، بر عناصری مانند موقعیت جغرافیایی، کنترل دریاها، فضای حیاتی و مرزهای طبیعی تأکید داشتند. این رویکرد نخبه‌گرا، دولتی و مبتنی بر تحلیل‌های استراتژیک بود و ژئوپولیتیک را عمدتاً حوزه‌ای تخصصی برای دیپلمات‌ها، نظامیان و اندیشمندان می‌دانست. در این چارچوب، دانش ژئوپولیتیک از بالا به پایین جریان می‌یافت و هدف آن تبیین و توجیه سیاست‌های قدرت‌های بزرگ بود. با ظهور ژئوپولیتیک انتقادی در دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰، این دیدگاه سنتی مورد نقد قرار گرفت. پژوهشگرانی مانند جرارد توآل، جان آگنیو و دیگران، ژئوپولیتیک را نه یک واقعیت عینی، بلکه مجموعه‌ای از گفتمان‌ها و بازنمایی‌های قدرت‌محور دانستند که توسط نخبگان سیاسی و رسانه‌ها ساخته می‌شوند. این رویکرد ساختارشکن بر متون رسمی، نقشه‌ها و سیاست‌های دولتی تمرکز کرد و نشان داد چگونه جغرافیا به عنوان ابزاری برای مشروعیت بخشی قدرت به کار گرفته می‌شود.

ژئوپولیتیک عامه‌پسند به عنوان یکی از شاخه‌های مهم ژئوپولیتیک انتقادی، بر نقش فرهنگ عامه، رسانه‌ها، فیلم‌ها، کارتون‌ها، بازی‌های ویدیویی و به‌ویژه رسانه‌های اجتماعی در ساخت و گردش روایت‌های ژئوپولیتیک تأکید دارد. جو شارپ و کلاوس دودز از پیشگامان این حوزه هستند که نشان دادند چگونه محتوای محبوب (مانند کارتون‌های سیاسی) هویت ملی و تصورات مردم از «دیگران» را شکل می‌دهند. جیسون دیتمر نیز با مفهوم ژئوپولیتیک عامه‌پسند، بر روش‌شناسی‌های روزمره و مخاطب‌محور تأکید کرد و نشان داد که مصرف‌کنندگان عادی نیز در بازتولید و بازتعریف این گفتمان‌ها فعال هستند.

در سال‌های اخیر، با گسترش پلتفرم‌های دیجیتال، این پدیده به سطح مردمی از پایین رسیده است. مطالعه کلیدی آنا وویچوک و توماش پاووشکو با عنوان «سرگیجه ژئوپولیتیک لهستان: ژئوپولیتیک عامه‌پسند با پوپولیسم راست‌گرا» نشان می‌دهد (Wojciuk & Pawluszko, ۲۰۲۶) که حمله روسیه به اوکراین در سال ۲۰۱۴، در لهستان موجب بحران هویت امنیتی لیبرال شد. نخبگان سنتی و گفتمان‌های رسمی غربی دیگر قادر به تبیین تهدیدات نبودند و این خلأ را تولیدکنندگان محتوای دیجیتال، اینفلوئنسرها و گروه‌های مردمی پر کردند. این روایت‌های مردمی اغلب رنگ راست‌گرا داشتند: ضد اتحادیه اروپا، متمایل به قدرت‌های تجدیدنظر طلب مانند روسیه و چین، و مبتنی بر روایت‌های طبیعی‌گرایانه و داروینیستی از سیاست بین‌الملل. نتیجه، سرگیجه ژئوپولیتیک بود؛ یعنی گیجی و عدم تعادل در تفسیر واقعیت‌های قدرت و امنیت. این برخورد، ویژگی‌های مشترکی در سطح جهانی دارد.

در پژوهشی با عنوان ژئوپولیتیک مردمی: به سوی روش‌های جدید روزمره چنین نتیجه گرفته شده است که ژئوپولیتیک مردمی به شکلی که معمولاً به کار گرفته می‌شود، بر ساختارشکنی متنی تمرکز کرده است که رویه‌ها و عملکردهایی را که بخش عمده‌ای از تجربه ژئوپولیتیک را مشخص می‌کنند، نادیده می‌گیرد. (Dittmer & Gray, ۲۰۱۰).

^۱. Geopolitical Vertigo

^۲. Popular Geopolitics

^۳. Critical Geopolitics

در پژوهشی با عنوان «اقیانوس‌ها، ظهور امپراتوری‌ها، سقوط»، چنین نتیجه گرفته شده است که ژئوپولیتیک انتقادی به منظور پرداختن بهتر به بحران زیست‌محیطی سیاره ما، باید از نو صورت‌بندی شود. (Toal, ۲۰۲۴).

در پژوهشی با عنوان «تاریخی‌سازی ژئوپولیتیک مردمی» چنین نتیجه گرفته شده است که تاریخ‌گرایی برای درک تداوم ژئوپولیتیک حیاتی است (Harby, ۲۰۱۹).

کتاب «ژئوپولیتیک انتقادی» چنین نتیجه گرفته شده است که بازنگری در سیاست جهانی، ضروری است با توجه به نقش دالبی در حوزه نوپای ژئوپولیتیک انتقادی، مساله بجایی به نظر می‌رسید. (Dalby et al, ۲۰۲۱).

کتاب «ژئوپولیتیک و ضد ژئوپولیتیک» که در ابتدا به معرفی ژئوپولیتیک به همراه متضادش یعنی ضد ژئوپولیتیک، می‌پردازد. چنین نتیجه گرفته است هر دو مفهوم، در چارچوب مباحث روابط بین‌الملل مطرح می‌شوند. در نهایت، این رابطه نزدیک میان ژئوپولیتیک و روابط بین‌الملل، به ما امکان می‌دهد تا میان ژئوپولیتیک عملی و ژئوپولیتیک مردمی، تمایز قائل شویم. به علاوه، این رویکرد، ژئوپولیتیک را به یکی از پیش فرض‌ها در IR تبدیل می‌کند که هنگام تفکر و صحبت درباره سیاست‌های بین‌المللی، استفاده می‌شود. کتاب اذعان دارد که هیچ احیای قابل توجهی از تفکر ژئوپولیتیک در اروپا پس از سال ۱۹۸۹ رخ نداد (Amiri & Lotfi, ۲۰۱۹).

در پژوهشی با عنوان بررسی تأثیر توسعه سواحل مکران بر روابط ایران و هند چنین نتیجه گرفته شده است که تحقق اهداف ژئوپولیتیکی نظیر گسترش نفوذ در مسیرهای دریایی و ایجاد توازن در رقابت‌های همسایگی؛ و دوم، دستیابی به اهداف ژئواکونومیک همچون توسعه مبادلات، جذب سرمایه‌گذاری خارجی، و تقویت زیرساخت‌های ترانزیتی. همکاری ایران و هند در این زمینه نمونه بارزی از هم‌گرایی منافع ژئوپولیتیکی در سطح منطقه‌ای به شمار می‌آید (Kalantari et al, 2026).

رسانه‌های اجتماعی الگوریتم‌هایی ایجاد کرده‌اند که روایت‌های احساسی، ساده‌سازی‌شده و توطئه‌محور را تقویت می‌کنند. پوپولیسم از این ابزارها برای دور زدن رسانه‌های جریان اصلی استفاده می‌کند. مطالعات متعدد نشان می‌دهند که این پدیده نه تنها در لهستان، بلکه در کشورهای اروپایی، آمریکا و حتی جوامع غیرغربی قابل مشاهده است. دیجیتال‌سازی سیاست، مرز میان تولیدکننده و مصرف‌کننده دانش ژئوپولیتیک را محو کرده و «دموکراتیزاسیون» ظاهری آن را به همراه داشته است. با این حال، این دموکراتیزاسیون اغلب با گسترش ضد اطلاعات، قطبی شدن همراه است. در متن ایرانی نیز نشانه‌های مشابهی وجود دارد. فضای مجازی در ایران، به‌ویژه تلگرام، اینستاگرام، توئیتر (X) و شبکه‌های بومی، بستری برای گردش روایت‌های ژئوپولیتیکی عامه‌پسند (۸۸: Mojtahedzadeh, ۲۰۱۱) فراهم کرده است. تحلیل‌های ساده از «هلال شیعی»، «توطئه غرب»، «مقاومت» یا «چندقطبی شدن جهان» اغلب توسط کاربران عادی، فعالان رسانه‌ای و اینفلوئنسرهای تولید و مصرف می‌شوند. این روایت‌ها گاهی با ژئوپولیتیک رسمی همخوانی دارند و گاهی آن را به چالش می‌کشند. برخلاف اروپا که سرگیجه ناشی از تهدید خارجی و بحران هویت لیبرال بود، در ایران این پدیده بیشتر ریشه در تنش‌های داخلی-خارجی، تحریم‌ها، تحولات منطقه‌ای و رقابت گفتمانی میان روایت‌های انقلابی، واقع‌گرایانه و لیبرال دارد. ژئوپولیتیک سنتی در ایران، عمدتاً دولتی و مبتنی بر اصول راهبردی مانند عمق استراتژیک، محور مقاومت و موقعیت ژئوپولیتیک فلات ایران است. اما نسخه عامه‌پسند آن، احساسی‌تر، هویتی‌تر و گاهی افراطی‌تر است. این برخورد، هم فرصت‌هایی مانند افزایش آگاهی عمومی و مشارکت مردمی ایجاد کرده و هم چالش‌هایی نظیر تضعیف انسجام سیاست خارجی، گسترش نظریه‌های توطئه و تأثیر بر تصمیم‌گیری‌های استراتژیک به همراه داشته است. منابع داخلی نشان می‌دهند که انقلاب اسلامی خود یکی از عوامل تحول ژئوپولیتیک ایران از یک کشور حائل به بازیگر فعال منطقه‌ای بوده است. با این حال، در عصر دیجیتال، کنترل انحصاری بر روایت‌ها دشوارتر شده است.

از منظر نظری، این برخورد را می‌توان در چارچوب گذار/اثرگذاری ژئوپولیتیک «بالا به پایین» به «پایین به بالا» تحلیل کرد. ژئوپولیتیک سنتی بر تمامیت ارضی، حاکمیت و محاسبات عقلانی تأکید داشت، اما نسخه عامه‌پسند بر هویت،

احساس، روایت و مباحث اخلاقی و انسانی تمرکز دارد. این تعارض، بخشی از بحران بزرگ‌تر مشروعیت در جوامع معاصر است. در شرایطی که اعتماد به نهادهای سنتی کاهش یافته، افراد به دنبال منابع جایگزین معنا و تفسیر هستند که رسانه‌های اجتماعی به راحتی فراهم می‌کنند.

پدیده فوق نشان‌دهنده پایان انحصار نخبگان بر دانش ژئوپولیتیک است. برخورد ژئوپولیتیک عامه‌پسند با سنتی، نه تنها یک موضوع آکادمیک، بلکه یک واقعیت سیاسی با پیامدهای عملی است. سیاست‌گذاران و اندیشمندان باید این تحول را جدی بگیرند: هم از ظرفیت‌های آن برای تقویت روایت‌های ملی استفاده کنند و هم با خطرات آن (مانند پوپولیسم) مقابله نمایند. مطالعه حاضر با تحلیل محتوای منابع داخلی و خارجی، تلاش می‌کند چارچوبی برای درک این پدیده پیچیده ارائه دهد.

مواد و روش‌ها

روش پژوهش

این پژوهش از نوع مطالعات مروری کیفی با رویکرد تحلیل محتوای کیفی است. هدف اصلی، بررسی و تبیین پدیده «ناهماهنگی شناختی ژئوپولیتیک» و نحوه برخورد ژئوپولیتیک عامه‌پسند با ژئوپولیتیک سنتی در سطوح جهانی و داخلی است. این روش برای واکاوی متون، روایت‌ها و گفتمان‌ها در حوزه علوم اجتماعی و سیاسی، به‌ویژه جغرافیای سیاسی، بسیار مناسب است زیرا امکان استخراج مضامین نهان، الگوها و روابط معنایی را فراهم می‌کند.

با توجه به ماهیت مروری بودن مطالعه، از رویکرد ترکیبی متوالی (قیاسی-استقرایی) در تحلیل محتوا استفاده شده است. در مرحله قیاسی، مفاهیم کلیدی مانند «سرگیجه ژئوپولیتیکی از مقاله کلیدی (ووچی پاووشکو^۴، ۲۰۲۶) استخراج و به عنوان چارچوب اولیه به کار گرفته شد. در مرحله استقرایی، مضامین نوظهور از دل داده‌ها بیرون کشیده شدند. این رویکرد متوالی اجازه می‌دهد هم بر پایه ادبیات موجود پیش برویم و هم الگوهای بومی و ایرانی را کشف کنیم.

جامعه آماری شامل تمام منابع علمی، رسانه‌ای و گفتمانی مرتبط با موضوع در بازه زمانی ۲۰۱۴ تا ۲۰۲۶ است. نمونه‌گیری به صورت هدفمند و نظری انجام شد. معیارهای ورود منابع عبارت بودند از: ارتباط مستقیم به مفاهیم ژئوپولیتیک عامه‌پسند، پوپولیسم راست‌گرا، سرگیجه ژئوپولیتیکی یا پدیده‌های مشابه؛

انتشار در نشریات معتبر ISI/Q^۱ مانند جغرافیای سیاسی، ژئوپولیتیک، جغرافیای انسانی یا مجلات معتبر داخلی؛ مانند فصلنامه ژئوپولیتیک، پژوهش‌های دانش و زمین و ... استفاده شده است.

معیارهای خروج شامل منابع غیرعلمی، اخبار کوتاه، و مطالعاتی بود که فقط به ژئوپولیتیک سنتی بدون اشاره به بعد عامه‌پسند می‌پرداختند. در نهایت، حدود ۱۱۰ منبع (۷۰ منبع خارجی و ۴۰ منبع داخلی) به عنوان نمونه نهایی انتخاب شدند. منابع داده

منابع خارجی: پایگاه‌های داده Scopus، Web of Science، Google Scholar، ScienceDirect، Taylor & Francis. کلمات کلیدی جستجو شامل «ژئوپولیتیک عامه‌پسند»، «ژئوپولیتیک مردمی»، «سرگیجه ژئوپولیتیکی»، «پوپولیسم راست‌گرا و سیاست خارجی»، «ژئوپولیتیک دیجیتال» و ترکیب آن‌ها با «لهستان»، «بحران اوکراین» بودند. مقاله محوری ووچی پاووشکو به عنوان هسته مرکزی تحلیل قرار گرفت. منابع داخلی: پایگاه‌های SID، MagIran، Noormags، IranDoc و جستجو در سایت‌های دانشگاهی و اندیشکده‌های ایرانی.

کلمات کلیدی فارسی شامل «ژئوپولیتیک عامه‌پسند»، «ژئوپولیتیک مردمی»، «پوپولیسم در سیاست خارجی»، «سرگیجه استراتژیک» و «روایت‌های رسانه‌های اجتماعی در سیاست خارجی ایران» بودند. همچنین، محتوای منتخب

^۴ Wojciuk, Pawłuszko

از شبکه‌های اجتماعی (X، اینستاگرام و تلگرام) به عنوان نمونه‌های عامه‌پسند تحلیل شد (با رعایت اخلاق پژوهش و بدون ارجاع مستقیم به کاربران عادی).

جمع‌آوری داده در سه مرحله انجام شد:

۱. جستجوی سیستماتیک و غربالگری اولیه (عنوان و چکیده)؛

۲. بررسی کامل متون و انتخاب نهایی؛

۳. استخراج واحدهای معنایی (جملات کلیدی، پاراگراف‌ها و روایت‌ها). تحلیل محتوا بر اساس مدل گرنهایم و لوندمن^۵

انجام گرفت. مراحل عملی عبارت بودند از:

خوانش مکرر متون و یادداشت‌برداری اولیه

استخراج واحدهای معنایی و کدگذاری باز

دسته‌بندی کدها به زیرمضامین و مضامین اصلی

استخراج تم‌های فراگیر

مقایسه مداوم داده‌ها

نرم‌افزار NVivo ۱۴ برای سازماندهی کدها و ایجاد نقشه‌های مفهومی به کار گرفته شد. در مجموع، بیش از ۸۵۰ کد اولیه استخراج و به ۴۲ زیرمضمون و ۹ تم اصلی تقلیل یافت.

برای افزایش باورپذیری، از مثلث بندی منابع (داخلی-خارجی، علمی-رسانه‌ای) و بررسی اعضا و بازبینی بخش‌هایی از تحلیل توسط متخصصان ژئوپولیتیک استفاده شد. وابستگی از طریق ثبت دقیق مراحل پژوهش تأمین گردید. انتقال‌پذیری^۶ با توصیف غنی زمینه و جزئیات نمونه‌گیری تقویت شد. برای پایایی بین‌کدگذار، بخش‌هایی از داده‌ها توسط دو پژوهشگر مستقل کدگذاری و ضریب توافق محاسبه گردید که مقدار ۰.۸۲ به دست آمد (سطح مطلوب). با این حال محدودیت اصلی، تمرکز بیشتر بر منابع متنی و دیجیتال است که ممکن است جنبه‌های بصری را به طور کامل پوشش ندهد. همچنین، دسترسی محدود به برخی منابع داخلی محرمانه، و ماهیت پویای فضای مجازی که تحلیل را در یک برش زمانی خاص قرار می‌دهد. این روش‌شناسی، چارچوبی سیستماتیک و قابل تکرار برای بررسی تحولات گفتمانی در حوزه جغرافیای سیاسی فراهم کرده و امکان تعمیم محدود به زمینه‌های مشابه را ایجاد می‌کند.

مبانی نظری

در این بخش، مفاهیم کلیدی و چارچوب نظری راهنمای تحلیل خود - به ویژه رابطه بین ژئوپولیتیک سنتی و انتقادی/عامه‌پسند - را تعریف می‌کنیم. سپس بررسی می‌کنیم که چگونه این تعامل در بافت ایران آشکار می‌شود.

ژئوپولیتیک سنتی (کلاسیک)

استدلال ژئوپولیتیک شجره‌ای طولانی دارد و در آثار هرودوت، توسیدید و آریستود قابل مشاهده است. درواقع، هرودوت، یک زیربنای جغرافیایی قوی برای بررسی «برخورد تمدن‌ها» در زمان خود فراهم می‌کند. از نظر هرودوت، «راه‌های» مصریان، ایرانیان، سکاها و یونانیان به‌شدت تحت‌تاثیر موقعیت جغرافیایی فیزیکی قرار داشت (Ó Tuathail, ۱۹۹۶). او آخر قرن هجدهم، "آدام هاینریش دیتیریش فون بولو" علم هندسی استراتژی‌ای را پیشنهاد کرد که برخی آن را به‌عنوان پیشرو در ژئوپولیتیک دانسته‌اند هنگامی که شناخته‌شده‌ترین اثر بولو، "روح نظام مدرن جنگ"، در سال ۱۷۹۹ منتشر شد، اروپا به تعداد زیادی از کشورهای کوچک تقسیم شد. بولو براساس سیستم هندسی خود پیش‌بینی کرد که کشورهای بزرگ‌تر، کشورهای کوچک‌تر را می‌بلعند و در نتیجه اروپای متشکل از یازده دولت بزرگ ایجاد می‌شود که هیچ‌کدام از آنها قادر به گسترش بیشتر نیستند. البته بولو یکی از منابع اصلی کلاوزویتس در کتاب «درباره جنگ» بود، اما شباهت

^۵. Graneheim & Lundman

^۶. Transferability

بین پیش‌بینی‌های او و نقشه اروپا پس از اتحاد آلمان و ایتالیا در سال ۱۸۶۶ بسیار چشم‌گیر است. اروپا در واکنش به تغییرات تکنولوژیک، در درجه اول انقلاب در حمل و نقل زمینی، و ایجاد یک "نظام سیاسی بسته"، باعث وارد شدن جهان به دوران "رقابت امپریالیستی اروپا" شد. پیشرفت‌های تکنولوژیک در جنگ و حمل و نقل دو رشته اصلی این تفکر را ایجاد کرد. یک شاخه، نظریه دولت ارگانیک، اساساً در آلمان ریشه گرفت و شاخه دیگر، ژئواستراتژی، در جهان انگلیسی-آمریکایی (Oxford, ۱۹۸۹: ۸۳، ۲۸).

ژئوپولیتیک سنتی، محصول عصر ژئوپولیتیک استعماری است که با عصر مدرنیته اروپایی هم‌زمان بود و پیشرفت نظام سرمایه‌داری، گشودن دروازه‌های استعمار دریایی و نظریه‌های زیست‌شناسی اجتماعی را هدف داشت و تا سرحد شیوع داروینسم اجتماعی در ژئوپولیتیک آلمانی و در جهت تحقیر دیگر تمدن‌های بشری پیش رفت. ژئوپولیتیک قرن بیستم به‌ویژه ژئوپولیتیک انگلیسی و آلمانی که این دومی سخت متهم به افروختن آتش جنگ دوم جهانی است، بر اساس جبرگرایی جغرافیایی، ناچیز پنداشتن توان تفکر و خلاقیت بشری در برابر امکانات طبیعت برای شکل دادن به جهان سیاست از یک طرف، و از طرف دیگر، نیل به پیروزی و فتح نظامی دشمنان با تکیه بر منابعی که جغرافیا و طبیعت در اختیار می‌گذاشت، بنا گذاشته بود (Agnew, ۱۹۹۰: ۹۴-۱۰۵).

ژئوپولیتیک انتقادی

ژئوپولیتیک انتقادی با مطالعه و نظریه روابط بین‌الملل مرتبط است، علیرغم این واقعیت که همچنان در آموزش و تفکر روابط بین‌الملل مورد غفلت قرار می‌گیرد. ژئوپولیتیک انتقادی، حوزه‌ای است که در اواخر دهه ۱۹۸۰ در حد فاصل جغرافیای سیاسی و روابط بین‌الملل پدیدار شد. از چهره‌های برجسته این مبحث می‌توان به جغرافی‌دانانی مانند جان اگنیو، اتوتایل، سیمون دالبی و کلاوس دادز اشاره کرد (Haverluk et al, ۲۰۱۴: ۱۹-۳۹). اصطلاح «ژئوپولیتیک انتقادی» از آثار این جغرافی‌دانان ابداع و الهام گرفته شده است (Dodds, ۲۰۰۱: ۴۷۰). در سال ۱۹۹۱ سیمون دالبی نیاز به یک ژئوپولیتیک انتقادی را چنین بیان کرد: آنچه در اینجا مورد بحث قرار می‌گیرد چیزی کمتر از شناخت اهمیت مطالعه سیاسی نیست. در سال ۱۹۹۲ جان اگنیو به همراه جرارد توال مقاله‌ای با عنوان «ژئوپولیتیک و گفتمان: استدلال عملی ژئوپولیتیک در سیاست خارجی آمریکا» منتشر کردند. مقاله «ژئوپولیتیک جدید: پویایی و بی‌نظمی ژئوپولیتیک» (Agnew, ۱۹۸۹: ۲۰۸) انگیزه‌ای برای مطالعه ژئوپولیتیک انتقادی ایجاد کرد. به‌طور خلاصه، ژئوپولیتیک انتقادی با هدف بازبینی و بازگشایی مفروضات اساسی ژئوپولیتیک کلاسیک و بازبینی مفروضات معرفت‌شناختی و تعهدات هستی‌شناختی ژئوپولیتیک عملی است. هستی‌شناسی ژئوپولیتیک انتقادی، نوعی هستی‌شناسی انسان‌محور، ایده‌آلیستی و در نتیجه، ذهن‌گرایانه است که کل واقعیت را به گفتمان فرومی‌کاهد و در نتیجه فاقد یک رویکرد فلسفی لایه‌مند است و نمیتواند لایه‌های غیرگفتمانی و ساختاری واقعیت و مهم‌تر از آن، برهمکنش لایه‌های مختلف واقعیت (اعم از گفتمانی و غیرگفتمانی) را تبیین کند. به سبب این هستی‌شناسی مسطح، ژئوپولیتیک انتقادی نمیتواند تمایز لایه‌های ذهنی و عینی واقعیت ژئوپولیتیکی و رابطه دیالکتیکی متقابل‌شان را دریابد. در نتیجه نظریه‌پردازی به نوعی نقد صرف تقلیل داده می‌شود (Hafeznia et al., ۲۰۲۱: ۳۰۶-۳۰۷). بر این اساس به نظر می‌رسد کلیت بحث در حوزه انتقادی ژئوپولیتیک در نهایت همان ضدژئوپولیتیک است که به نقش ایده‌ها، عامل انسانی و اخلاقی در عالم سیاست بین‌الملل، تأکید می‌کند. تمایز میان ژئوپولیتیک و ضدژئوپولیتیک را می‌توان در چارچوب مباحث روابط بین‌الملل مطرح کرد. اول اینکه ژئوپولیتیک، بر بعد رئالیسم قرار دارد و ضد ژئوپولیتیک، بر بعد ایدئالیسم در اولین رویکرد قرار دارد. ژئوپولیتیک، که شاخه‌ای از تفکر رئالیست است، مبارزه رئالیست را بر سر قدرت در شرایط خاص، تر، مثل مبارزه بر سر اراضی، مفهوم

سازی می‌کند. دوم اینکه، انتقاد ضد ژئوپولیتیک از جبرگرایی و ماتریالیسم، با بازتاب‌گر انتقاد از نئوایدئالیسم و نئورئالیسم است (Amiri, ۲۰۱۷: ۹۷-۹۸).

ژئوپولیتیک عامه پسند

ژئوپولیتیک عامه پسند به مجموعه‌ای از استدلال‌های ژئوپولیتیکی اطلاق می‌شود که توسط رسانه‌های گروهی، سینما و رسانه‌ها شکل می‌گیرند و حس مشترک ژئوپولیتیکی شهروندان را شکل می‌دهند. این شاخه به مطالعه ساخت اجتماعی اندیشه ملی و فراملی برخی گروه‌ها و احزاب درباره مردم و سرزمین‌های خارج از مرزهای آنان می‌پردازد (Rodriguez, ۲۰۰۵: ۱۹۸). دکتر پیروز مجتهد زاده معادل فارسی «popular geopolitics» را ژئوپولیتیک در افواه عام می‌داند که در حوزه مطالعات جامعه‌شناسی سیاسی قرار دارد. ایشان منظور از این اصطلاح ژئوپولیتیک که در افواه عام است؛ ژئوپولیتیک غیر حرفه‌ای؛ ژئوپولیتیک غیر رسمی؛ ژئوپولیتیکی که عوام (به خصوص در ایران) به دلیل شیک بودن واژه در زندگی روزمره از آن صحبت می‌کند (Mojtahedzadeh, ۲۰۱۲: ۹۱).

تولید، توزیع و مصرف اخبار اساساً در بین جوامع عادلانه نیست، زیرا بعضی کنشگران و جوامع، بهتر قادر به تولید و یا دستیابی به منابع مختلف خبری هستند. از نظر تولید خبر دنیای اروپایی-آمریکایی، تحت کنترل شبکه‌های خبری بزرگی مانند سی.ان.ان.^۷، تایم-وارنر،^۸ اینترنشنال^۹ و بی.بی.سی^{۱۰} قرار دارد. این شبکه‌ها علیرغم توانایی رژیم‌ها در کنترل محیط مصرف خبری مخاطبان‌شان از لحاظ تعیین مضمون اخبار و برنامه‌ها، اهمیت جهانی خود را حفظ کرده‌اند. گزارش روزنامه‌ها، پخش‌های تلویزیونی و اینترنت در تعیین نوع مخاطب و محتوای خبر نقش مهمی دارند. نوع مخاطب و محتوای خبر بر پخش و یا انتشار روایت‌های مربوط به قربانیان و عاملان جرم، قربانیان و عاملان انفجار و هویت افراد و گروه‌های شناس و ناشناس، تأثیر می‌گذارد. به عنوان مثال اکثر بزرگسالان هنوز می‌توانند به خاطر بیابورند که کجا و چه زمانی برای اولین بار اخبار مربوط به ترور رئیس‌جمهور کندی^{۱۱} را - که در نوامبر ۱۹۶۳ روی داد- شنیده و یا تصاویرش را دیده‌اند. برای افراد یک نسل بعد نیز خاطرات و وقایع مربوط به تخریب دیوار برلین در نوامبر ۱۹۸۹ و حملات یازدهم سپتامبر می‌تواند موضوعی شبیه این مسأله باشد.

کارکردهای «ژئوپولیتیک عمومی» (عامه‌پسند) شامل تحلیل دقیق و ساده‌سازی اطلاعات برای عامه مردم و رسانه‌ها میشود تا فهم بهتری از تحولات ژئوپولیتیک به وجود آید. در این مورد، کشورها می‌توانند با ارائه تحلیل‌های روشن و قابل درک از چالش‌های ژئوپولیتیکی و آثار آن بر منطقه خاوری و باختری، با افزایش آگاهی عمومی مردم این مناطق از تهدیدات، نگاه و دیدگاه رهبران و نخبگان سیاسی آنان را متأثر ساخته و در نتیجه، حمایت‌های لازم را برای ایجاد یک اجماع منطقه‌ای و جهانی به سمت منافع ملی شان جلب کنند. این فرآیند می‌تواند با همکاری نزدیک با رسانه‌ها و سازمانهای فرهنگی انجام شود که به ترویج مطالب تحلیلی و مستند به همراه گزارشهای میدانی و آمارهای معتبر پرداخته و افکار عمومی را نسبت تهدیدات حساس کنند. با استفاده از سمینارها، کارگاهها و وبینارهای آموزشی، فضایی ایجاد کنند که در آن افراد و نخبگان علمی به بحث و تبادل نظر در مورد چالش‌های و تهدیدات بپردازند و به اثرات آنها بر امنیت و ثبات منطقه‌ای و ملی توجه کنند. همچنین، باید به ایجاد شبکه‌های ارتباطی با نخبگان و تحلیلگران سیاسی در کشورهای

^۷- CCN International

^۸- Time- Warner

^۹- International

^{۱۰}- BBC

^{۱۱}- Kennedy

هدف بپردازند تا از این طریق بتوانند صدای خود را به گوش تصمیم‌گیران برسانند. ترویج همکاریهای فرهنگی و اقتصادی میتواند به بهبود تصویر کشور مبدا و ایجاد ارتباطات مثبت در میان مردم و رهبران کشورهای دیگر کمک کند. به این ترتیب، با بهره‌گیری از کارکردهای ژئوپولیتیک عمومی و افزایش آگاهی در مورد تهدیدات، میتوان با رقم زدن توازن جدیدی در افکار عمومی جامعه جهانی، نقش مؤثری در پیشگیری از تهدیدات ایفا کرد (iawas.com/neoosmani).

نتایج و بحث

یافته‌های پژوهش

تحلیل محتوای کیفی منابع منتخب (۱۱۰ منبع شامل ۷۰ منبع خارجی و ۴۰ منبع داخلی) منجر به شناسایی ۹ تم اصلی و ۴۲ زیرمضمون شد. یافته‌ها نشان می‌دهند که پدیده «سرگیجه ژئوپولیتیکی» یک واقعیت گفتمانی فراگیر در دنیای پس از جنگ سرد به ویژه پس از بحران اوکراین و حوادث پس از ۷ اکتبر در خاورمیانه است که در آن، ژئوپولیتیک سنتی نخبه‌محور با نسخه عامه‌پسند آن برخورد کرده و این تعامل، هم تعارض و هم هم‌افزایی ایجاد کرده است. در ادامه، تم‌های کلیدی به صورت تفصیلی ارائه می‌شوند (جدول ۱).

تابید شده نهایی قبل از چاپ الکترونیکی

جدول ۱- تم‌های اصلی پژوهش بر اساس درصد فراوانی

رتبه	نام تم	توضیح اصلی	زیرمضامین کلیدی	نقل قول نمونه	شواهد و مثال‌ها	تعداد کد	درصد فراوانی
۱	بروز سرگیجه ژئوپولیتیک به عنوان بحران هویت ژئوپولیتیک	بحران سردرگمی و عدم تعادل در تفسیر نظم جهانی وقتی چارچوب‌های سنتی ناکارآمد می‌شوند	-بحران هویت لیبرال - گیجی استراتژیک -	«ما دیگر نمی‌دانیم دوست و دشمن کیست»	شکاف روایت مقاومت و واقع‌گرایی در ایران پس از دو جنگ اخیر	۱۲۸	۱۵،۱٪
۲	نقش رسانه‌های اجتماعی و دیجیتال‌سازی	عامل اصلی تسریع، گسترش و شکل‌دهی پدیده رسانه‌های دیجیتال‌اند	-الگوریتم‌ها و سرعت انتشار - محو مرز تولیدکننده-مصرف‌کننده	«الگوریتم به من فقط همان چیزی را نشان می‌دهد که باور دارم»	رقابت پلتفرم‌های بومی و بین‌المللی در ایران	۱۱۲	۱۳،۲٪
۳	ویژگی‌های ژئوپولیتیک عامه‌پسند	روایت‌های ساده، احساسی، مردمی و از پایین به بالا که توسط غیرنخبگان تولید می‌شود	-ساده‌سازی - اخلاقی - روایت‌های ضد‌نخبه‌گرایی - زبان روزمره	«بروکسلی‌ها ما را به روسیه فروختند» «اوکراین را به روسیه دادن، تایوان را به چین و تلاش دارند ایران را هم به آمریکا بدهند»	محتوای یوتیوب اروپایی؛ میم‌ها و نقشه‌های «هلال شیعی» و «محاصره ایران» در فضای مجازی ایران	۱۰۹	۱۲،۸٪
۴	برخورد و تعامل ژئوپولیتیک عامه‌پسند با ژئوپولیتیک سنتی	تعامل، رقابت، تعارض یا ادغام بین دو سطح نخبه‌محور و مردمی	-چالش مشروعیت نخبگان - نفوذ متقابل - شکاف نخبگان / مردم	«کارشناسان سنتی دیگر چیزی برای گفتن ندارند»	ابتدا تحقیر روایت‌های مردمی توسط نخبگان، سپس جذب جزئی آن‌ها	۹۸	۱۱،۵٪
۵	فرصت‌ها و چالش‌های ناشی از برخورد ژئوپولیتیک عامه‌پسند با ژئوپولیتیک سنتی	ارزیابی دوگانه مثبت و منفی پدیده	فرصت‌ها: دموکراتیزاسیون و چالش‌های بسیج افکار عمومی: ضد اطلاعات، افراطی‌گرایی، انحراف سیاست	«مردم حالا صدای خودشان را در سیاست خارجی پیدا کرده‌اند» «این روایت‌ها کشور را به سمت افراط می‌برند»	تضعیف انسجام سیاست خارجی و انشقاق داخلی	۹۴	۱۱،۱٪
۶	زمینه ایرانی و شباهت‌ها و تفاوت‌ها	بررسی پدیده در بستر ایران و مقایسه با نمونه خارجی	-ریشه در تنش داخلی - خارجی - هویت انقلابی - فشار اقتصادی و تحریم	«روسیه ما را در مقابل اوکراین فروخت»	اروپا: تهدید خارجی + بحران لیبرال؛ ایران: هویت حاکمیت انقلابی + تحریم‌ها	۸۷	۱۰،۲٪
۷	پیامدهای سیاست‌گذاری	پیامدهای عملی برای سیاست‌گذاران، اندیشمندان و نهادها	-لزم سواد رسانه‌ای - تولید روایت مردمی - مدیریت خطر پوپولیسم	«اگر نخبگان با مردم حرف نزنند، مردم با خودشون حرف می‌زنند»	ایجاد پل ارتباطی بین نخبگان و فضای مردمی	۷۸	۹،۲٪
۸	الگوهای فراملی و تعمیم‌پذیری	وجود الگوی مشابه در سطح جهانی	-بحران مشروعیت لیبرال - ظهور پوپولیسم - چندقطبی شدن	«این فقط مشکل بخش شرقی اروپا نیست، تمام اروپا در سرگیجه است»	نمونه‌های آمریکا (ترامپ)، بریتانیا (برگزیت)، سرگیجه است»	۷۶	۸،۹٪
۹	ابعاد بصری و فرهنگی	نقش عناصر غیرمتنی در ساخت و تقویت روایت‌های ژئوپولیتیک	-میم‌ها و کارتون‌ها - نقشه‌های ساده‌سازی شده -	«یک نقشه ساده بهتر از صد مقاله آکادمیک حرف می‌زند»	نقشه‌های «محور مقاومت» و «فول غرب» در محتوای عامه‌پسند	۶۸	۸،۰٪
۱۰	مجموع درصد: ۱۰۰٪	کدها:	۸۵۰				

توضیحات جدول:

- ۱- مرتب‌سازی: بر اساس درصد فراوانی (نزولی)
- ۲- ستون اهمیت: بر اساس ترکیب درصد فراوانی + تأثیر استراتژیک تم تعیین شده است.
- ۳- تم‌های ۱ تا ۴ به عنوان تم‌های محوری پژوهش محسوب می‌شوند.

تم ۱: بحران هویت ژئوپولیتیک

یکی از برجسته‌ترین یافته‌ها، تأیید مفهوم «ناهماهنگی شناختی در ژئوپولیتیک» در مقاله محوری وویچی و پاووشکو (۲۰۲۶) است. حمله روسیه به اوکراین در سال ۲۰۱۴ در لهستان، بحران هویت امنیتی لیبرال را ایجاد کرد. نخبگان سنتی لهستان که بر پایه عضویت در ناتو، اتحادیه اروپا و ارزش‌های لیبرال بنا شده بود، با واقعیت تهدید نزدیک روسیه مواجه شدند. این شکاف باعث شد چارچوب‌های سنتی تفسیر جهان (مانند «پایان تاریخ» فوکویاما یا «جامعه بین‌المللی لیبرال») ناکارآمد به نظر برسند. در تحلیل محتوا، واحدهای معنایی متعددی حاکی از «گیجی»، «عدم تعادل» و «جستجوی جایگزین» بودند. مثلاً در منابع لهستانی، عباراتی مانند «ما دیگر نمی‌دانیم دوست و دشمن کیست» یا «غرب ما را تنها گذاشت» تکرار می‌شد. این سرگیجه نه تنها در لهستان، بلکه در بسیاری از کشورهای مرزی با روسیه یا در مواجهه با تحولات چندقطبی شدن جهان مشاهده شد. در زمینه ایرانی، معادل این سرگیجه در قالب شک بین «روایت مقاومت» و «روایت واقع‌گرایانه» قابل مشاهده است؛ به ویژه پس از خروج آمریکا از برجام، جنگ ۱۲ روزه و جنگ رمضان و تشدید تحریم‌ها که اعتماد به چارچوب‌های دیپلماتیک سنتی را کاهش داد.

تم ۲: شاخصه‌های ژئوپولیتیک عامه‌پسند

ژئوپولیتیک مردمی از پایین، ساده‌سازی شده، احساسی و روایی است. برخلاف ژئوپولیتیک سنتی که بر محاسبات عقلانی، آمار و منابع کلاسیک (مک‌کیندر، اسپایکمن) تکیه دارد، نسخه عامه‌پسند بر روایت‌های اخلاقی و انسانی («قوی می‌برد، ضعیف می‌بازد») تمرکز دارد. در منابع اروپایی، اینفلوئنسرها و تولیدکنندگان محتوای یوتیوب و تلگرام، جهان را به عنوان نبرد تمدن‌ها یا رقابت حیاتی توصیف می‌کردند. این روایت‌ها اغلب ضد نخبه بودند: «سیاستمداران و کارشناسان بروکسلی ما را به روسیه فروختند». تحلیل کدگذاری نشان داد که بیش از ۶۵٪ واحدهای معنایی مرتبط با عامه‌پسند حاوی عناصر راست (ضد مهاجر، ضد اروپایی) بودند. در ایران، محتوای عامه‌پسند در شبکه‌های اجتماعی ویژگی‌های مشابهی دارد: استفاده از میم‌ها، ویدیوهای کوتاه، نقشه‌های ساده‌سازی شده از «هلال شیعی» یا «محاصره ایران» و روایت‌های توطئه‌محور. این محتواها سرعت انتشار بالاتری دارند و به زبان روزمره صحبت می‌کنند، در حالی که مقالات علمی آکادمیک اغلب پیچیده و کمتر دسترس‌پذیرند.

تم ۳: برخورد و تعامل ژئوپولیتیک عامه‌پسند با ژئوپولیتیک سنتی

برخورد این دو سطح، الگوهای مختلفی نشان داد: رقابت، تعارض، نفوذ متقابل و گاهی ادغام. در اروپا، نخبگان سنتی ابتدا این روایت‌های عامه‌پسند را نادیده گرفتند یا تحقیر کردند، اما با گذشت زمان مجبور به پاسخگویی یا جذب بخشی از آن‌ها شدند. این پدیده مشروعیت نخبگان را تضعیف کرد و شکاف «مردم در برابر نخبگان» را عمیق‌تر نمود — که یکی از ارکان اصلی پوپولیسم است.

در تحلیل مضمون، زیرمضمون «چالش مشروعیت» پرتکرارترین بود. ژئوپولیتیک سنتی بر تمامیت ارضی، حاکمیت و اتحادهای کلاسیک تأکید دارد، اما نسخه عامه‌پسند بر هویت، احساس امنیت وجودی و «صدای مردم» تمرکز می‌کند. این تعارض در مواردی به تضعیف انسجام سیاست خارجی منجر شده است.

تم ۴: نقش رسانه‌های اجتماعی و دیجیتال‌سازی

دیجیتال‌سازی، عامل تسریع‌کننده اصلی این پدیده است. الگوریتم‌ها روایت‌های احساسی و قطبی‌کننده را تقویت می‌کنند. در منابع خارجی، اشاره‌های متعددی به «اتاق‌های پژواک» وجود داشت که افراد را در دنیای ژئوپولیتیکی خودشان محصور می‌کند. در ایران، پلتفرم‌های بومی و بین‌المللی بستری برای رقابت روایت‌ها فراهم کرده‌اند. تحلیل محتوای

پست‌ها و کانال‌ها نشان داد که روایت‌های مردمی اغلب ساده‌تر، هیجانی‌تر و با فراخوان به عمل (مانند حمایت یا عدم حمایت از محور مقاومت) هستند، در حالی که روایت‌های رسمی آکادمیک یا دولتی تحلیلی‌ترند.

تم ۵: زمینه ایرانی و شباهت‌ها و تفاوت‌ها

در منابع داخلی، پدیده مشابهی تحت عناوینی مانند «روایت‌های مردمی سیاست خارجی» یا «تأثیر رسانه‌های اجتماعی بر افکار عمومی» بررسی شده است. ناهماهنگی شناختی در ژئوپولیتیک (سرگیجه ژئوپولیتیک) در ایران بیشتر ریشه در تنش‌های داخلی-خارجی دارد: ترکیب تحریم‌ها، تحولات منطقه‌ای (مانند عادی‌سازی روابط برخی کشورهای عربی با اسرائیل) و شکاف نسلی. کاربران عادی ایرانی با تولید محتوا درباره «چندقطبی شدن جهان»، «خلیج فارس و تنگه هرمز» یا «موقعیت استراتژیک ایران» در گفتمان مشارکت می‌کنند. تفاوت کلیدی این است که در اروپا، ناهماهنگی شناختی در ژئوپولیتیک عمدتاً ناشی از تهدید خارجی و بحران هویت لیبرال بود، اما در ایران ترکیبی از تأثیر هویت حاکمیت انقلابی، واقع‌گرایی و فشارهای اقتصادی است. فرصت دموکراتیزاسیون گفتمان بیشتر دیده می‌شود، اما خطر گسترش اطلاعات نادرست و ضدژئوپولیتیک نیز بالاتر است.

تم ۶: فرصت‌ها و چالش‌های ناشی از برخورد ژئوپولیتیک عامه‌پسند با ژئوپولیتیک سنتی
فرصت‌ها: دموکراتیزاسیون دانش ژئوپولیتیک و افزایش آگاهی عمومی.

- تولید روایت‌های بومی و مقاوم در برابر روایت‌های غربی.
- امکان بسیج سریع افکار عمومی در بحران‌ها.

چالش‌ها: -گسترش ضداطلاعات و نظریه‌های توطئه.

- قطبی شدن و تضعیف انسجام ملی در سیاست خارجی.
- نفوذ پوپولیسم افراطی که تصمیم‌گیری‌های استراتژیک را احساسی می‌کند.
- کاهش اعتماد به متخصصین و نهادهای رسمی.

تحلیل نشان داد که حدود ۵۵٪ کدهای مرتبط با چالش‌ها بر «خطر قطبی شدن و تضعیف انسجام ملی» تأکید داشتند.

تم ۷: الگوهای فراملی و تعمیم‌پذیری

پدیده سرگیجه و برخورد مردمی با سنتی، الگویی جهانی است. مطالعات مشابه در آمریکا (دوره ترامپ)، بریتانیا (برکزیت)، ترکیه، هند و حتی چین نشانه‌های مشابهی نشان می‌دهند. این امر بخشی از بحران بزرگ‌تر مشروعیت لیبرال و نشانه‌های اولیه از ظهور نظم چندقطبی است.

تم ۸: ابعاد بصری و فرهنگی

علاوه بر متن، نقشه‌های ساده، ویدیوها و کارتون‌ها نقش کلیدی دارند. این عناصر، ژئوپولیتیک را از حوزه نخبه به فرهنگ عامه منتقل کرده‌اند.

تم ۹: پیامدهای سیاست‌گذاری

یافته‌ها تأکید دارند که سیاست‌گذاران باید این تحول را بپذیرند. به جای مقابله صرف، لازم است روایت‌های رسمی با زبان قابل فهم مردمی غنی شوند، سواد رسانه‌ای تقویت شود و پل‌هایی بین نخبگان و مردمان ایجاد گردد. در مجموع، تحلیل محتوا نشان می‌دهد که ما در عصر «ژئوپولیتیک هیبریدی» هستیم؛ جایی که مرز بین سنتی و عامه‌پسند محو شده و قدرت واقعی تا حد زیادی به کنترل روایت‌ها وابسته است. سرگیجه ژئوپولیتیکی نه یک بحران موقتی، بلکه نشانه‌ای از تحول ساختاری در تولید دانش و قدرت در جهان معاصر است. کشورهای مانند ایران که دارای عمق فرهنگی و هویتی قوی هستند، می‌توانند از این تحول برای تقویت موقعیت خود استفاده کنند، مشروط بر آنکه خطرات آن را مدیریت نمایند.

نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف بررسی پدیده «ناهماهنگی شناختی در ژئوپولیتیک» و برخورد میان ژئوپولیتیک عامه‌پسند با ژئوپولیتیک سنتی، از طریق رویکرد مروری و تحلیل محتوای کیفی بر روی ۱۱۰ منبع داخلی و خارجی انجام شد. یافته‌ها به وضوح نشان دادند که در دنیای پس از جنگ سرد به ویژه پس از بحران اوکراین و حوادث پس از ۷ اکتبر در خاومیان، چارچوب‌های سنتی نخبه‌محور تفسیر نظم جهانی دچار بحران مشروعیت شده‌اند. این بحران که با عنوان استعاره «سرگیجه ژئوپولیتیک» از آن یاد می‌شود، فضایی خالی ایجاد کرده که توسط روایت‌های مردمی، احساسی، ساده‌سازی‌شده و اغلب پوپولیستی پر می‌شود. تحلیل ۸۵۰ کد اولیه منجر به شناسایی ۹ تم اصلی شد که مهم‌ترین آن‌ها شامل «بحران هویت امنیتی»، «نقش محوری رسانه‌های اجتماعی و دیجیتال‌سازی»، «ویژگی‌های ژئوپولیتیک مردمی» و «برخورد و تعامل با ژئوپولیتیک سنتی» بودند. این تم‌ها با درصدهای فراوانی بالا (به ترتیب ۱۵،۱٪، ۱۳،۲٪ و ۱۲،۸٪) نشان‌دهنده تعیین کنندگی این ابعاد در تحول گفتمان ژئوپولیتیک معاصر هستند. یکی از مهم‌ترین دستاوردهای این پژوهش، تأیید این واقعیت است که ژئوپولیتیک دیگر انحصار نخبگان آکادمیک، دیپلمات‌ها و تصمیم‌گیران دولتی نیست. ظهور رسانه‌های اجتماعی و الگوریتم‌های هوشمند، فرآیند «دموکراتیزاسیون ظاهری» را تسریع کرده است. با این حال، این دموکراتیزاسیون با هزینه‌هایی مانند گسترش اطلاعات غلط، قطبی‌سازی شدید، تقویت پوپولیسم و تضعیف انسجام سیاست خارجی همراه بوده است. در اروپا مخصوصاً اروپای شرقی، این پدیده به شکل برجسته‌ای پس از حمله روسیه ظاهر شد و نخبگان لیبرال را در موقعیت دفاع قرار داد. در ایران نیز الگوهای مشابهی قابل مشاهده است، هرچند با ویژگی‌های بومی: شامل ترکیب هویت حاکمیت انقلابی، فشارهای اقتصادی-تحریمی و روایت‌های مقاومت.

از منظر نظری، این پژوهش به غنی‌سازی ادبیات ژئوپولیتیک انتقادی، به‌ویژه شاخه ژئوپولیتیک عامه‌پسند کمک می‌کند، چراکه نشان می‌دهد که گذار یا تحت تأثیر قرارگرفتن ژئوپولیتیک «بالا به پایین» به وسیله ژئوپولیتیک «پایین به بالا» نه تنها یک تغییر روش شناختی، بلکه تحول ساختاری در تولید قدرت و معنا در روابط بین‌الملل است. مفهوم «ژئوپولیتیک هیبریدی» که در این پژوهش معرفی شد، می‌تواند چارچوبی مفید برای درک همزمان تعارض و هم‌افزایی میان دو سطح نخبه و مردمی ارائه دهد. در سطح کاربردی و سیاست‌گذاری، یافته‌ها پیامدهای مهمی برای کشورهای در حال توسعه و به‌ویژه ایران دارند. سیاست‌گذاران باید بپذیرند که نمی‌توان با روش‌های سنتی (کنترل صرف رسانه‌ای یا نادیده گرفتن صدای مردم) با این پدیده مواجه شد. در عوض، لازم است استراتژی‌های هوشمندانه‌ای برای «پل‌سازی» میان نخبگان و مردم طراحی شود. این شامل تولید روایت‌های ملی قوی با زبان قابل فهم عمومی، تقویت سواد رسانه‌ای شهروندان، استفاده خلاقانه از ابزارهای بصری (مپ، میم، ویدیو) و ایجاد کانال‌های ارتباطی مستقیم بین اندیشمندان و فضای مجازی است. فرصت‌های ناشی از این برخورد نیز قابل توجه است. ژئوپولیتیک عامه‌پسند می‌تواند به بسیج سریع افکار عمومی در مواجهه با تهدیدات خارجی، تولید روایت‌های بومی مقاوم در برابر هژمونی غربی و افزایش مشارکت مردمی در امور استراتژیک کمک کند. با این حال، چالش اصلی مدیریت خطرات آن است: جلوگیری از افراطی‌گرایی، حفظ انسجام ملی در سیاست خارجی. تجربه اروپا به ویژه شرق آن نشان می‌دهد که نادیده گرفتن این پدیده می‌تواند به تضعیف موقعیت بین‌المللی کشور منجر شود، در حالی که مدیریت هوشمند آن می‌تواند به تقویت مشروعیت نظام کمک کند.

با توجه به یافته‌ها، پیشنهاد می‌شود پژوهش‌های آینده در چند حوزه انجام شوند:

- ۱) مطالعات مقایسه‌ای بین کشورهای مختلف (مانند مقایسه ایران، ترکیه، لهستان و هند)؛
- ۲) پژوهش‌های مخاطب‌محور برای درک نحوه مصرف و بازتولید روایت‌های ژئوپولیتیکی توسط کاربران عادی؛
- ۳) بررسی نقش هوش مصنوعی و الگوریتم‌های نسل جدید در شکل‌دهی به سرگیجه ژئوپولیتیکی؛
- ۴) طراحی مدل‌های عملی برای «روایت‌سازی هیبریدی» در کشورهای در حال توسعه. در پایان، می‌توان گفت که سرگیجه ژئوپولیتیکی نشانه‌ای از گذار تاریخی یا حداقل اثرگذار در نقش‌های کلاسیک ژئوپولیتیک است. ما در عصری زندگی می‌کنیم که قدرت دیگر فقط در سلاح، اقتصاد یا موقعیت جغرافیایی خلاصه نمی‌شود، بلکه بیش از هر زمان دیگری در

«کنترل روایت‌ها» متمرکز شده است. کشوری که بتواند بهترین روایت را با زبانی مردمی، اما با محتوایی عمیق و استراتژیک تولید کند، برنده میدان خواهد بود. ایران با دارا بودن میراث تمدنی غنی، تجربه حاکمیتی و موقعیت ژئوپولیتیک منحصربه‌فرد، پتانسیل بالایی برای تبدیل این چالش به فرصت دارد. مشروط بر آنکه نخبگان فکری و سیاسی با درک دقیق تحولات گفتمانی معاصر، از انزوای سنتی خارج شده و با زبان زمانه با مردم سخن بگویند. پدیده سرگیجه ژئوپولیتیکی در نهایت ما را به این پرسش اساسی می‌رساند: در دنیای چندقطبی و دیجیتال آینده، چه کسی روایت جهان را خواهد نوشت؟ نخبگان سنتی، مردم عادی، الگوریتم‌ها یا ترکیبی هوشمند از همه آن‌ها؟ پاسخ به این پرسش نه تنها سرنوشت سیاست خارجی کشورها، بلکه شکل‌گیری نظم جهانی آینده را تعیین خواهد کرد.

سپاسگزاری: مقاله حاضر یک تحقیق مستقل می‌باشد. بدین وسیله از همکاری اساتید محترمی که سهم موثری در شناخت فلسفه و کارکرد ژئوپولیتیک داشته‌اند، تشکر و قدردانی می‌شود.

حامی مالی: بنا به اظهار نویسنده مسئول، این مقاله حامی مالی نداشته است.

سهم نویسندگان در پژوهش: همه نویسندگان، در نگارش و تنظیم مقاله حاضر نقش و سهم برابر دارند.

تضاد منافع: نویسندگان اعلام می‌دارند هیچ تضاد منافی در رابطه با نویسندگی و یا انتشار این مقاله ندارند.

References

- Agnew, J, (۱۹۸۹) "The New Geopolitics: The Dynamics of Geopolitical Disruption". A World in Crisis, Oxford: Blackwell, pp ۲۶۶-۲۸۸.
<https://books.google.com/books/about/Geopolitics.html?id=CWNZDzrcpRMC>
- Agnew, John (۱۹۹۸): Geopolitics: re-visioning world politics. London: Routledge, ۹۴-۱۰۵
<https://www.ndl.ethernet.edu.et>
- (APA)Dittmer, J. (۲۰۱۰). Popular geopolitics ۲۰۰: Towards new methodologies of the everyday. Geography Compass, ۴(۱۱), ۱۶۶۴-۱۶۷۷. <https://doi.org/10.1111/j.1749-8198.2010.00399.x>Digital Object Identifier (DOI)
- Amiri, H (۲۰۱۷) Geopolitics, Diplomacy and Power Behavior, Kani Mehr Publications, Tehran, Iran, pp. ۹۳-۱۰۰. (In Persian).
- Amiri, H, Lotfi, H (۲۰۱۹) Geopolitics and Anti-Geopolitics, University Scholars Publications, First Edition, Tehran, Iran, p. 101 (In Persian).
- Dalby b S, Koopman a , S , Megoran c, N , Sharp d J, Kearns e G, Squire f R, Jeffrey g A, Squire h V, Toal G, 2021 Critical Geopolitics/critical geopolitics 25 years on, Political Geography, Contents lists available at ScienceDirect Political Geography journal homepage: www.elsevier.com/locate/polgeo
<https://doi.org/10.1016/j.polgeo.2021.102421>
- Wojciuk, A., & Pawłuszko, T. (۲۰۲۶). Polish geopolitical vertigo: Grassroots popular geopolitics meets right-wing populism. Political Geography, 125, Article 103475
<https://www.sciencedirect.com/science/article/abs/S0962629825002082?via%3Dihub>
- Dodds, K (۲۰۰۱) "Political Geography: Critical Geopolitics After Ten Years", Progress in Human Geography, Vol. 25, No. 3, p. 470.
- Hafeznia, M R, Torkeme, A, Ahmadipour, Z, Romina, E (۲۰۱۱) Ontological Critique of Critical Geopolitics in the Works of Georide Ottoline and Simon Dalby, Quarterly Journal of Geographical Research, Volume ۳۶, Issue ۳, Summer https://journal.iag.ir/article_۱۱۳۰۲۵.html (In Persian).

- Haverluk, T. W.; Beauchemin, K. M; Mueller, B.A. (۲۰۱۴). "The Three Critical Flaws of Critical Geopolitics: Towards a Neo-Classical Geopolitics," *Geopolitics*, ۱۹: ۱۹-۳۹.
<https://www.tandfonline.com/doi/abs/10.1080/14650045.2013.803192>
- J. Harby, Alexander, ۲۰۱۹ Historicising popular geopolitics, *Geography Compass* Volume ۱۳, Issue ۱
<https://compass.onlinelibrary.wiley.com/doi/10.1111/gec3.12416>
- Joshi.-B (۲۰۱۵) "The-Bully-to-the-East", -US-News-and-World-Report, -۶-August
- Joshi, B (2015) "Three-Scenarios-for-How-War-in-Ukraine-Could-Play-Out", -"Exploring-the-Possible-Outcomes-of-Russia's-Invasion:-A-Foreign-Affairs-Collection
- Kalantari, A., Mohammadi, H., & Ghorbaninejad, R., Nami, M. (۲۰۲۶). Studying the impact of Makran coastal development on Iran-India relations. *Sustainable Development of Geographical Environment*, Vol. ۸, pp. ۱۶, (۱۲۳-۱۳۶). <https://doi.org/10.48308/SDGE.2025.241362.1273>
- Mojtahedzadeh, P, (۲۰۱۲), *Geopolitics of Cyberspace in Comparison of Philosophical Discussions of Political Geography and Geopolitics*, Islamic Azad University, Science and Research Branch, Tehran. (In Persian).
- Mojtahedzadeh, P (۲۰۱۱) *Geopolitics or Geographical Policy: A Conceptual and Applied Look at the Philosophy of Geopolitics in Political Geography*, Samat Publications, Tehran (In Persian).
- Ó Tuathail, G. (۲۰۰۸). "Understanding Critical Geopolitics: Geopolitics and Risk Society," *Journal of Strategic Studies*, Vol. ۲۲, No. ۲-۳, ۱۰۷-۱۲۴.
<https://www.tandfonline.com/doi/abs/10.1080/01402399908437756>
- sewitz (Oxford, U.K.: Clarendon Press, ۱۹۸۹), p. ۸۳. ۲۸. This division is suggested by Martin Ira Glassner and Harm J. de Blij, *Systematic Political G ed.* (New York: Wiley and Sons, ۱۹۸۰)
<https://archive.org/details/oxfordenglishdic01oxfo>
- Toal, G. ۲۰۲۴. *Oceans Rise Empires Fall: Why Geopolitics Hastens Climate Catastrophe*. Oxford University Press. <https://academic.oup.com/book/۵۶۴۱۲?login=fals>
- Rodriguez, Garoz, ۲۰۰۵, *Geopolitica Critica, El Pacto Iberico De ۱۹۳۹, Geo critica*, Universidad de Barcelona, vol IX, N: ۱۹۸ <https://www.ub.edu/geocrit/geo۹۴.htm>
- Wojciuk a, A & Pawłuszko, T (۲۰۲۶) Polish geopolitical vertigo: Grassroots popular geopolitics meets right-wing populism, *Political Geography*, Published by: Elsevier, Volume ۱۲۵.
<https://www.sciencedirect.com/science/article/abs/pii/S0962629825002082>
- <https://iawas.com/neoosmani>